

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



قواعد و آیین داورى مرکز داورى اتاق بازرگانى ايران

فصل اول - کلیات

ماده ۱- تعاریف

اصطلاحاتی که در این آیین داورى به کار رفته است، دارای معانی زیر می باشد:

الف) «آیین نامه نحوه ارائه خدمات مرکز داورى در اختلافات تجارى داخلی و بین المللى» که از این پس «آیین داورى» نامیده می شود، عبارتست از مقررات حاضر که داورى در کلیه اختلافات تجارى داخلی و بین المللى که به مرکز داورى اتاق ايران ارجاع شود، مطابق آن انجام خواهد شد.

ب) آیین نامه های داخلی مرکز داورى در مورد نحوه ارائه خدمات آیین نامه هایی است که مستنداً به مجوز حاصل از ماده ۶ قانون اساسنامه مرکز داورى به تأیید هیأت مدیره مرکز داورى و نیز به تصویب هیأت نمایندگان اتاق بازرگانى ايران رسیده است.

پ) خواهان یا خوانده به معنای یک یا چند خواهان یا خوانده است.

ت) «داورى تجارى داخلی» عبارت است از اختلافات و دعاوى راجع به روابط و معاملات تجارى بین اشخاص حقوقى یا حقیقى که در زمان انعقاد موافقتنامه داورى به موجب قوانین ايران، تبعه ايران باشند؛ و «داورى تجارى بین المللى» آن است که یکی از آنها در زمان انعقاد موافقتنامه داورى، طبق قوانین ايران تبعه ايران نباشد.

ث) «داور»، اعم از «داور» واحد یا هیأت داوران است مگر آنکه



با توجه به سیاق متن در این آیین داورى یا در موافقتنامه داورى، مراد از داور، یکی از اعضاى هیأت داوران باشد.

ج) «دیوان داورى مرکز داورى» هیأتى است که به موجب مقررات فصل پنجم از آیین نامه داخلى مرکز داورى در مورد تشکیلات و نحوه ارائه خدمات تشکیل می شود و وظایف و صلاحیت های آن در آیین نامه تشکیلات مرکز داورى و نیز در این آیین داورى مشخص شده است.

چ) «قرارنامه داورى» عبارت است از صورت جلسه ای که طبق ماده ۳۹ این آیین داورى تنظیم می شود.

ح) «مرکز داورى» عبارت است از مرکز داورى اتاق بازرگانى و صنایع و معادن ایران که مطابق قانون اساسنامه تشکیل مرکز داورى اتاق ایران مصوب ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ و در اجرای بند (ح) ماده ۵ قانون اتاق بازرگانى و صنایع و معادن ایران (اصلاحی مصوب ۲۵/۹/۱۳۷۳) تشکیل شده است و مطابق قانون مذکور و نیز آیین نامه های داخلى مرکز داورى اداره می شود و به دعاوى که به آن ارجاع می شود رسیدگى می کند.

خ) «موافقتنامه داورى» توافقى است بین طرفین که به موجب آن حل و فصل تمام یا بعضى از اختلافاتى که در مورد یک یا چند رابطه حقوقى معین اعم از قراردادى یا غیر قراردادى به وجود آمده یا ممکن است در آینده پیش آید، به داورى مرکز داورى ارجاع شود. موافقتنامه داورى ممکن است به صورت شرط داورى در ضمن قرارداد و یا به صورت قرارداد جداگانه باشد.

ماده ۲- مرکز داورى

مرکز داورى و وظایف و اختیارات خود را از طریق هماهنگى، سازماندهى، نظارت و مدیریت جریان داورى انجام می دهد، بدون آنکه خود مباشرت به داورى کند.

ماده ۳- قلمرو اجرا



الف) کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوی دارند می‌توانند داوری در اختلافات خود را اعم از اینکه در مراجع قضایی طرح شده یا نشده باشد، با توافق به مرکز داوری ارجاع کنند. تراضی فوق شامل تراضی حاصل از موافقتنامه داوری و همچنین تراضی ناشی از مراجعه و پیشنهاد داوری توسط یکی از طرفین به داوری مرکز داوری و قبول آن از ناحیه طرف دیگر می‌باشد.

ب) رسیدگی داوری در کلیه دعاوی و اختلافاتی که به مرکز داوری ارجاع شود، مطابق مقررات این آیین داوری انجام می‌شود و در داوری‌های داخلی تابع مقررات باب هفتم قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و در داوری‌های بین‌المللی تابع مقررات قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ خواهد بود.

تبصره ۵- در دعاوی کوچک که خواسته آن‌ها کمتر از پانصد میلیون ریال (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال) یا معادل ارزی آن یا معادل مبلغ مذکور در دعاوی غیر مالی باشد، طرفین می‌توانند توافق کنند که رسیدگی به صورت اختصاری انجام شود و از اجرای مواد ۳۹ و ۴۰ و ۵۳ این آیین نامه صرف‌نظر کنند یا مواعد مربوط را کوتاه نمایند.

ماده ۴- پذیرش آیین داوری مرکز داوری

تراضی بر ارجاع اختلاف به مرکز داوری، به منزله التزام و قبول این آیین داوری و سایر آیین‌نامه‌های داخلی مرکز داوری در مورد نحوه ارائه خدمات می‌باشد.

ماده ۵- انصراف از حق ایراد

در صورتی که هر یک از طرفین پس از علم به عدم رعایت مقررات این آیین داوری و یا شرایط قابل عدول موافقتنامه داوری، سکوت اختیار کرده و داوری را ادامه دهد و در مهلت مقرر ایراد خود را مطرح نکند، چنین تلقی خواهد شد که از



حق ایراد خود صرف نظر کرده است.

فصل دوم- جریان داورى

ماده ۶- دادخواست داورى

الف) خواهان یا متقاضى داورى، باید دادخواست داورى خود را به دبیرخانه مرکز داورى تسلیم کند. دبیرخانه و وصول آن را با قید تاریخ وصول، به خواهان و خوانده اعلام خواهد کرد.

ب) دادخواست داورى باید مشتمل بر موارد زیر باشد:

۱- مشخصات کامل طرفین همراه با ذکر نشانی پستی و الکترونیکی و هرگونه اسناد مثبت سمت؛ در صورتی که دعوى به نمایندگی یا وکالت طرح شده باشد.

۲- توضیح درباره ماهیت معامله یا قرارداد یا وقایعی که موجب بروز اختلاف شده و بیان منشأ ادعا و دلایل آن.

۳- تعیین خواسته دعوى و مبلغ آن، مگر آنکه خواسته غیر مالی باشد.

۴- توضیح درباره موافقتنامه داورى.

۵- در صورت امکان، اظهار نظر در مورد تعداد داوران و چگونگی انتخاب آنان با توجه به موافقتنامه داورى و نیز در صورت ضرورت، معرفی «داور» خود در داورى سه نفری.

۶- در صورتی که داورى بین‌المللی باشد، اظهار نظر در خصوص محل داورى، زبان داورى و قانون و قواعد حقوقی قابل اعمال.

تبصره ۵- تسلیم درخواست داورى ناقص در دبیرخانه مرکز داورى، مادام که تکمیل نشده، تکلیفی برای مرکز ایجاد نمی‌نماید.

پ) در صورتی که دادخواست داورى راجع به معامله، قرارداد یا روابط حقوقی‌ای باشد که در مورد آن پیش از زمان تقدیم



دادخواست بین همان طرفین، رسیدگی داورى در مرکز داورى شروع شده باشد، به درخواست هر یک از طرفها، درخواست داورى جدید با پرونده داورى مقدم توأم می‌شود، به شرط آنکه در داورى مقدم هنوز قرارنامه داورى به امضای طرفین و «داور» نرسیده باشد یا توسط مرکز داورى تأیید نشده باشد و مانع قانونى هم برای ادغام پروندهها وجود نداشته باشد. در صورتى که درخواست داورى جدید پس از امضاء یا تأیید قرارنامه داورى در پرونده مقدم شروع شده باشد، رسیدگی توأم به دو یا چند پرونده منوط به این است که «داور» پرونده مقدم، با توجه به ماهیت ادعاهای موضوع داورى جدید و نیز با توجه به مرحله داورى مقدم و سایر اوضاع و احوال، اجازه توأم نمودن دو پرونده را بدهد.

ماده ۷- پاسخ خواننده؛ دعوای تقابل

الف) پس از دریافت دادخواست داورى دبیرخانه مرکز داورى یک نسخه از دادخواست و اسناد و مدارک ضمیمه آن را جهت پاسخ گویی به خواننده، ابلاغ می‌کند. خواننده باید در داورى داخلی ظرف ۱۰ روز و در داورى بین‌المللى ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ دادخواست داورى، پاسخ خود را که مشتمل بر اطلاعات ذیل باشد، به دبیرخانه مرکز داورى تسلیم نماید:

۱- مشخصات کامل همراه با نشانی پستی و الکترونیکی و حسب مورد هرگونه اسناد مثبت سمت؛ در صورتى که دفاع به نمایندگی یا وکالت به عمل آید.

۲- پاسخ به ادعاها و خواسته، بیان ایرادات و مدافعات و ارائه هرگونه دلیل و اسناد و مدارک؛

۳- در صورت امکان، اظهار نظر در خصوص تعداد داوران و چگونگی انتخاب آنان با توجه به موافقتنامه داورى و نیز معرفی «داور» اختصاصی خود در داورى سه نفری؛



۴ - در صورتی که داورى بین‌المللی باشد، اظهار نظر در خصوص محل داورى، زبان داورى و نیز قواعد حقوقی قابل اعمال.

ب) دبیرخانه مرکز داورى، نسخه‌ای از پاسخ خواننده به دادخواست داورى را به خواهان ابلاغ می‌کند.

پ) در صورتی که خواننده ادعاهای متقابل داشته باشد، باید ضمن پاسخ به دادخواست داورى، به دبیرخانه تسلیم و ثبت کند. دعوای متقابل باید مشتمل بر موارد زیر باشد:

۱ - بیان ادعای متقابل و منشأ و دلایل آن.

۲ - ذکر خواسته دعوای متقابل و بهای آن، مگر آنکه خواسته غیر مالی باشد؛

ت) دبیرخانه، ادعای متقابل خواننده را به خواهان ابلاغ می‌کند و خواهان باید در داورى داخلی ظرف ۱۰ روز و در داورى بین‌المللی ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ دعوای متقابل، لایحه جوابیه خود به دعوای متقابل را به دبیرخانه مرکز داورى تسلیم نماید.

ماده ۸- پس از تبادل لوایح اولیه به شرح فوق و تکمیل پرونده و تعیین «داور» طبق این آیین داورى و اعلام قبولی او، دبیرخانه پرونده را به «داور» تسلیم می‌کند و داورى از تاریخ ابلاغ موضوع به طرفین و داور، شروع می‌شود.

تبصره ۱- در مواردی که «داور» قبلاً توسط طرفین تعیین شده باشد و اعلام قبولی هم کرده باشد، دبیرخانه مرکز داورى پرونده را بدون انجام تبادل لوایح، به «داور» تسلیم می‌نماید و تبادل لوایح با نظر «داور» تعیین شده، انجام خواهد شد.

تبصره ۲- دبیرخانه مرکز داورى می‌تواند مواعید پیش‌بینی شده در این ماده را به درخواست خواهان یا خواننده حسب



مورد، تمدید نماید، مشروط به اینکه متقاضی تمدید مهلت، حسب مورد، «داور» اختصاصی خود را معرفی نماید و یا درباره تعداد داوران و نحوه انتخاب ایشان اظهار نظر کرده باشد.

ماده ۹- آثار موافقت نامه داورى

الف) در کلیه مواردی که رسیدگی به اختلاف به مرکز داورى ارجاع می‌شود، رسیدگی طبق مقررات لازم‌الاجرا در زمان تقدیم دادخواست داورى به عمل خواهد آمد مگر اینکه طرفین توافق کرده باشند که داورى مطابق قواعد موجود در تاریخ انعقاد موافقتنامه داورى انجام شود.

ب) چنانچه خواننده از پاسخ به درخواست داورى مطابق ماده ۷ این آیین داورى امتناع کند، در صورتی که دیوان داورى مرکز احراز کند که ظاهراً موافقت نامه داورى بین طرفین منعقد شده است، داورى ادامه خواهد یافت، بدون اینکه تصمیم دیوان داورى در مورد وجود ظاهری موافقت نامه داورى، مانع طرح ایرادات راجع به وجود یا اعتبار موافقت نامه داورى نزد «داور» گردد. چنانچه دیوان داورى مرکز داورى وجود ظاهری موافقت نامه داورى را احراز نکنند عدم امکان ادامه داورى از طرف دبیرخانه مرکز به طرفین ابلاغ می‌شود، در این صورت هریک از طرفین می‌تواند اتخاذ تصمیم در مورد وجود یا فقدان موافقت نامه داورى را از دادگاه صلاحیت‌دار تقاضا کند.

پ) چنانچه هریک از طرفین دعوا قبل از نصب «داور» نسبت به وجود موافقت نامه داورى، اعتبار یا حوزه شمول آن ایراد کند، تصمیم‌گیری در مورد ایراد مطروحه با دیوان داورى مرکز داورى خواهد بود، بدون اینکه تصمیم دیوان داورى مانع طرح ایراد نزد «داور» باشد. در صورتی که دیوان داورى مرکز ایراد را وارد تشخیص دهد، عدم امکان ادامه داورى از طرف دبیرخانه مرکز به طرفین ابلاغ می‌شود، و پرونده مختومه می‌شود. در این



صورت هر يك از طرفين مى تواند به دادگاه صلاحيت دار مراجعه كند.

ت) عدم شركت هر يك از طرفين در جلسات داوري يا هريك از مراحل آن مانع جريان داوري نخواهد بود، و «داور» مى تواند با ادامه رسيدگى بر اساس دلايل و مدارك موجود مبادرت به صدور رأى نمايد.

ث) ايراد به وجود يا اعتبار قرارداد اصلى رافع صلاحيت «داور» براى رسيدگى به چنين ايرادى نيست مشروط بر اينكه «داور» اعتبار موافقت نامه داوري را احراز كند. حتى اگر قرارداد اصلى وجود نداشته و يا باطل باشد، «داور» مى تواند درباره حقوق طرفين رسيدگى کرده و نسبت به ادعاها ايرادات آنها اتخاذ تصميم كند و به هر حال شرط داوري، مستقل از قرارداد اصلى است.

ماده ۱۰- تعداد داوران و نحوه انتخاب ايشان

الف) طرفين مى توانند ضمن موافقتنامه داوري يا به موجب توافقنامه جداگانه، در خصوص تعداد و نحوه انتخاب داور يا داوران، توافق نمايند. در صورت فقدان چنين توافقي و نيز در صورتى كه بين طرفين در اين خصوص اختلاف باشد، به ترتيب زير اقدام خواهد شد و رجوع طرفين به مركز داوري به منزله قبول ترتيبات زير مى باشد:

مركز داوري با توجه به موضوع دعوى، يك نفر را به عنوان «داور» انتخاب مى نمايد و به طرفين اعلام مى كند تا اگر اعتراض يا جهات رد نسبت به «داور» مذكور وجود دارند، ظرف مهلت پانزده (۱۵) روز پس از معرفى داور به دبيرانه، اعلام كنند.

چنانچه هريك از طرفين ظرف مهلت مقرر اعتراض يا جهات رد موجهى نسبت به «داور» منتخب اعلام نمايند و مورد قبول مركز واقع شود، مركز داوري فرد ديگري را معرفى خواهد نمود، در غير اين صورت همين كه «داور» منتخب مركز قبولي



خود را اعلام کرد، مرکز داورى پرونده را به او تسليم مى کند.
 ب) در مواردی که توافق شده هیأت داورى تشکیل شود، به ترتیب زیر عمل مى شود:

۱- هریک از طرفین مکلف است «داور» اختصاصی خود را ظرف مدتی که مرکز تعیین می کند انتخاب و معرفی کند و سپس طرفین یا با موافقت طرفین، داوران اختصاصی ایشان، مکلفند ظرف مدت ده (۱۰) روز «داور» سوم (سرداور) را به اتفاق تعیین و معرفی نمایند.

۲- در صورتی که طرفین ظرف مهلت مقرر داوران اختصاصی خود یا سرداور را انتخاب و معرفی نکنند، مرکز داورى حسب مورد، «داور» طرف ممتنع یا سرداور (یا هردو) را، انتخاب و معرفی می نماید تا اگر هریک از طرفین اعتراض یا جهات رد نسبت به «داور» اختصاصی طرف دیگر یا سرداور دارند، ظرف مهلت پانزده (۱۵) روز پس از معرفی «داور» به دبیرخانه مرکز اعلام کنند.

تبصره — رسیدگی به اعتراض یا جهات رد نسبت به «داور» یا سرداور که در این مرحله مطرح شود، با مرکز داورى است و تصمیم مرکز در این خصوص قطعی است و در صورتی که اعتراض یا جهات رد موجه باشد و مورد قبول قرار گیرد، مرکز داورى فرد دیگری به ترتیب فوق انتخاب می کند.

ماده ۱۱ - علاوه بر موارد فوق، در موارد زیر نیز مرکز داورى حسب مورد، اقدام به تعیین «داور» خواهد کرد:

- ۱- چنانچه طبق موافقتنامه داورى انتخاب «داور» یا هیأت داورى یا سرداور برعهده شخص ثالث باشد و شخص مذکور در مهلت مقرر «داور» یا هیأت داورى را معرفی نکند.
- ۲- چنانچه شخص ثالث منتخب ایشان تعیین «داور» یا هیأت داورى یا سرداور را به مرکز داورى واگذار کرده باشد.



۳- چنانچه «داور» یا داوران یا سرداور تعیین شده، پیشنهاد داورى را رد کنند یا اعلام قبولی نکنند یا به ایشان دسترسی نباشد.

ماده ۱۲- هرگاه در موافقتنامه داورى طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف، شخص یا اشخاص معینی داورى نمایند و آن شخص یا اشخاص طرف مهلت مقرر اعلام قبولی نکنند یا داورى را رد کنند یا به ایشان دسترسی نباشد و یا به هر دلیل نخواهند یا نتوانند به عنوان «داور» رسیدگی کنند، مرکز داورى، جریان داورى را منتفی و نتیجه را به طرفین اعلام خواهد کرد، مگر آنکه طرفین، در مورد روش دیگری برای انتخاب «داور» توافق نمایند، یا انتخاب «داور» یا داوران را به مرکز داورى محول نمایند.

ماده ۱۳- انتخاب و تعیین «داور» یا هیأت داورى توسط طرفین یا مرکز داورى همواره باید از بین داوران معتمد مرکز داورى انجام شود، مع ذلك، طرفین می توانند، «داور» مورد نظر خود از خارج از فهرست داوران معتمد مرکز انتخاب نمایند، مشروط به اینکه شخص منتخب واجد شرایط لازم باشد و نام او به عنوان «داور» داوران معتمد مرکز به تصویب هیأت مدیره مرکز برسد.

تبصره ۵- مرکز داورى مکلف است در انتخاب و تعیین «داور» یا هیأت داوران، کلیه شرایطی را که طرفین در موافقتنامه داورى تعیین کرده اند، رعایت نموده و با توجه به موضوع دعوى، شخص یا اشخاص واجد شرایط را انتخاب و تعیین کند.

ماده ۱۴- در داورى های بین المللی «داور» منفرد یا سرداور نباید با اصحاب دعوى هم تابعیت باشد، مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کرده باشند.



ماده ۱۵- داورى چند جانبه

در صورتى كه داورى بيش از دو طرف داشته باشد و طرفها در مورد تعيين «داور» به نحو ديگرى توافق نكرده باشند، به ترتيب زير عمل خواهد شد:

۱- براي خواهان واحد، يك «داور» و در صورت تعدد خواهانها، مشتركاً يك «داور» تعيين خواهد شد. «داور» خوانده يا خواندگان متعدد نيز به همين روش تعيين مى شود.

۲- چنانچه خواهانها يا خواندگان متعدد ظرف مهلت مقرر، در مورد تعيين «داور» مشترك به توافق نرسند، مركز داورى، «داور» اختصاصى هر يك از طرفين متعدد (خواهانها يا خواندگان) را انتخاب و تعيين خواهد كرد.

۳- در داورىهاي چند جانبه، انتخاب سرداور بر عهده داوران اختصاصى طرفين است و در صورتى كه ظرف مدت ۱۵ روز از تاريخى كه مركز داورى تعيين مى كند به توافق نرسند، سرداور توسط مركز داورى تعيين مى گردد.

۴- هرگاه در داورىهاي چند جانبه، در مورد خواهان يا خوانده بودن يك يا چند طرف داورى اختلاف باشد، هيأت داورى مركب از سه نفر به انتخاب مركز داورى خواهد بود و مركز داورى با توجه به مفاد موافقتنامه داورى در مورد شرايط «داور» و نيز با توجه به موضوع دعوى، هيأت داورى انتخاب و تعيين مى كند.

۵- ساير امور مربوط به داورىهاي چند جانبه از جمله تعويض «داور» يا جرح داور، تابع مقرراتى است كه براي داورىهاي دو جانبه مقرر شده است.

ماده ۱۶- محل داورى

الف) در داورىهاي داخلى، محل انجام داورى در مقر مركز داورى خواهد بود، مگر اينكه طرفين، با توافق صريحاً محل



دیگری را تعیین نمایند.

ب) در داورى های بین المللى انتخاب محل داورى با طرفین است و در صورت عدم توافق، مرکز داورى با توجه به اوضاع و احوال پرونده و سهولت دسترسی طرفین، محل را تعیین می کند.

پ) در داورى های بین المللى، «داور» می تواند برای شور، استماع طرفین یا شهود یا کارشناسان، یا بازرسی کالا یا اسناد و مدارک، در هر محلی که مقتضى بداند تشکیل جلسه دهد، مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کرده باشند. به هر حال، رأی داورى در محل داورى صادر خواهد شد.

ماده ۱۷- زبان داورى

الف) در داورى های داخلی زبان داورى، فارسى است و در صورتی که اسناد و مدارک مورد استناد به زبان دیگری باشد، طرفی که چنین مدارکی را ارائه و به آنها استناد می کند، مکلف است ترجمه فارسى آن را تهیه و تسلیم کند، مگر اینکه «داور» ترجمه رسمى آنها را لازم بداند.

ب) در داورى های بین المللى، انتخاب زبان داورى با طرفین است و در صورتی که در این خصوص توافق حاصل نشود، «داور» با توجه به قرارداد و اوضاع و احوال پرونده زبان داورى را تعیین می کند.

ماده ۱۸- ابلاغ اوراق و اخطاریه ها، مواعد

الف) طرفین باید کلیه لوايح و مراسلات خود با یکدیگر و با «داور» را همراه با مدارک پیوست، به تعداد طرف های دعوى و «داور» یا داوران، به اضافه یک نسخه برای مرکز داورى، به دبیرخانه مرکز داورى تسلیم نمایند.

ب) کلیه مکاتبات، دستورات و درخواست ها، تصمیمات و قرارها که «داور» در جریان رسیدگی صادر یا اتخاذ



می‌کند، از طریق و توسط دبیرخانه مرکز داورى به طرفین، ابلاغ و پیگیری می‌شود.

پ) در داورى‌هایی که به مرکز داورى ارجاع می‌شود، امر ابلاغ اوراق و نیز رأی داورى توسط دبیرخانه مرکز داورى انجام می‌شود، مگر اینکه طرفین طریق دیگری برای ابلاغ تعیین و توافق کرده باشند.

ت) ابلاغ کلیه اوراق و مکاتبات به نشانی‌های اعلام شده طرفین در موافقتنامه داورى یا هر نشانی دیگری که طرفین متعاقباً اعلام کرده باشند، به عمل خواهد آمد. در صورتی که هیچ یک از نشانی‌های فوق در دسترس نباشد یا امکان ابلاغ در آن نشانی وجود نداشته باشد، ارسال اوراق به آخرین محل تجارت یا محل سکونت طرف داورى، یا به هر محل دیگری که در پرونده مطروحه سابقه ابلاغ داشته باشد، ابلاغ شده محسوب می‌شود.

ث) امر ابلاغ می‌تواند از طریق تحویل در قبال رسید، نامه سفارشی، دورنگار، تلکس، تلگرام، پست الکترونیکی که متضمن ثبت و ضبط سابقه ارسال و وصول به گیرنده باشد، انجام گیرد. در موارد زیر اوراق مربوط، ابلاغ شده محسوب می‌شود:

وصول آن به مخاطب به نظر «داور» یا مرکز داورى محرز باشد؛
مخاطب بر طبق ابلاغیه مربوط، اقدامی کرده باشد؛
مخاطب نفیاً یا اثباتاً پاسخ داده باشد.
ابلاغ به محلی باشد که سابقه ابلاغ داشته باشد.
ابلاغ در جلسه داورى واقع شود.

ماده ۱۹- تاریخ ابلاغ، همان تاریخی است که مخاطب یا نماینده او، برگ مربوط را دریافت کرده یا تاریخی است که اوراق مربوط مطابق بند پ، ت یا ث ماده ۱۸، ابلاغ شده یا عرفاً و نوعاً اوراق دریافت شده محسوب شود و سابقه آن در دبیرخانه مرکز داورى ثبت شده باشد.



ماده ۲۰ - مهلت‌های مقرر در این آیین داورى بدون احتساب روز ابلاغ و اقدام، محاسبه می‌شود. چنانچه روز آخر مواعد، در محل ابلاغ تعطیل رسمی یا روز غیرکاری باشد، نخستین روز کاری بعدی، آخرین روز مهلت محسوب خواهد گردید. تعطیلات رسمی و روزهای غیرکاری داخل در مواعد و جزء مهلت محسوب خواهد شد.

به مهلت‌های مقرر در این آیین‌نامه نسبت به اشخاصی که مقیم خارج از کشور می‌باشند، یک ماه اضافه می‌گردد.

ماده ۲۱ - در صورتی که اوضاع و احوال اقتضاء کند، «داور» می‌تواند مهلت‌ها و مواعد پیش‌بینی شده در این آیین داورى را تمدید کند به نحوی که هر یک از طرفین بتواند به مسئولیت و وظایف خود در جریان داورى عمل کند.

فصل سوم - شرایط داور، جرح داور و تشریفات آن

ماده ۲۲ - استقلال و بی طرفی داور

الف) «داور» باید در تاریخ تعیین و انتخاب به این سمت و شروع بکار و نیز در طول جریان رسیدگی داورى تا زمان صدور رأی، علاوه بر داشتن اوصاف قانونی و شرایط مقرر در موافقتنامه داورى، بی طرف و مستقل باشد و ذینفع در قضیه نباشد.

ب) «داور» باید همزمان با قبول سمت، اعلامیه ای مکتوب مبنی بر تأیید بی طرفی و استقلال خود امضاء و به دبیرخانه مرکز داورى تسلیم کند و مکلف است هرگونه واقیعت یا اوضاع و احوالی را که ممکن است استقلال او را نزد طرفین با تردید مواجه سازد، در اعلامیه مذکور ذکر نماید. چنانچه اعلامیه بی طرفی و استقلال «داور» متضمن چنین اطلاعاتی باشد، دبیرخانه مراتب را به طرفین ابلاغ می‌کند و مهلتی را



جهت اظهار نظر آنان تعیین می‌نماید. پس از وصول نظرات طرفین، دیوان داورى مرکز داورى در خصوص اعلامیه «داور» و اظهارات طرفین رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.

پ) پس از شروع داورى نیز «داور» مکلف است هرگونه واقعیت یا اوضاع و احوال را که احیاناً در جریان داورى حادث شود و موجب تردید در بی‌طرفی و استقلال او گردد، فوراً و به‌صورت کتبی به دبیرخانه مرکز و به طرفین اعلام نماید.

ماده ۲۳- موارد جرح داور

«داور» در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال موجود، باعث تردید موجهی نسبت به بی‌طرفی و استقلال او شود و یا واجد اوصافی که طرفین تعیین کرده‌اند، نباشد. هریک از طرفین تنها به استناد دلایلی که پس از تعیین «داور» از آن مطلع شده‌اند، می‌تواند داورى که خود تعیین کرده یا در جریان تعیین او مشارکت داشته، جرح کند.

الف) در داورى‌های داخلی، اشخاص زیر را هر چند با تراضی نمی‌توان به عنوان «داور» انتخاب نمود و از موجبات رد و جرح «داور» است:

- ۱- اشخاصی که بی‌طرفی و استقلال ایشان در موضوع داورى، محل تردید باشد؛
 - ۲- اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند؛
 - ۳- اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن از داورى محروم شده‌اند؛
 - ۴- کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی.
- ب) در داورى‌های داخلی، اشخاص زیر، را نمی‌توان به عنوان «داور» معرفی و منصوب کرد مگر با تراضی طرفین:
- ۱- کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال تمام باشد؛



- ۲- کسانی که در دعوی ذی نفع باشند؛
- ۳- کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند.
- ۴- کسانی که قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوا می باشند؛ یا یکی از اصحاب دعوا مباشر امور آنها باشد.
- ۵- کسانی که خود یا همسرشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشند؛
- ۶- کسانی که خود یا همسرشان با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند، در گذشته یا حال دعوی کفیری داشته باشند.
- ۷- کسانی که خود یا همسرشان و یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوا یا زوجه و یا یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دعوی حقوقی داشته باشد.
- ۸- کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان.

ماده ۲۴- تشریفات جرح، تعویض داور به علت قصور یا عدم امکان انجام وظیفه داور

الف) طرفین می توانند در مورد تشریفات جرح «داور» توافق نمایند. در غیر این صورت طرفی که قصد جرح «داور» را دارد، با یک طرف ۱۵ روز از تاریخ وصول قبولی «داور» مربوط، یا در صورتی که جهات رد و جرح «داور» بعداً در جریان داورى حادث شود، ظرف ۱۵ روز از تاریخ اطلاع از هرگونه اوضاع و احوال مذکور در ماده ۲۳ این آیین داورى، دلایل جرح را همراه با ادله و مدارک مثبت، طی لایحه ای همزمان کتباً به دبیرخانه مرکز داورى، «داور» مربوط، سایر داوران (در صورتی که هیأت داوران تشکیل



شده باشد) و طرف‌های دیگر داورى اعلام کند.

ب) «داور» مکلف است ظرف ۱۰ روز از تاریخ دریافت جرح، در مورد آن اعلام نظر کند و کتباً به طرفین و به مرکز داورى اطلاع دهد. در صورتی که «داور» مربوط جرح را نپذیرد، طرفی که «داور» را جرح کرده می‌تواند ظرف ۲۰ روز از ابلاغ تصمیم مذکور، به دیوان داورى مرکز داورى (موضوع فصل پنجم آیین‌نامه داخلی مرکز داورى در مورد تشکیلات) مراجعه و درخواست رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند.

پ) دیوان داورى مرکز داورى قبل از تصمیم‌گیری راجع به جرح، مراتب را از طریق دبیرخانه مرکز به «داور» یا داوران مورد جرح، طرف مقابل و نیز سایر اعضای هیأت داورى اطلاع می‌دهد و مهلت مناسب و معقولى جهت اظهار نظر آن‌ها تعیین می‌کند. اظهار نظر کتبی هر یک از طرفین و «داور» یا داوران در خصوص جرح به طرفین و سایر داوران ابلاغ می‌شود.

ماده ۲۵- در صورتی که «داور» از دادن رأی امتناع ورزد و یا در جلسه داورى دوبار متوالی حضور پیدا نکند یا در انجام وظیفه قصور کند، و هم‌چنین در صورتی که «داور» به عللی از قبیل مسافرت، غیبت طولانی، عدم دسترسی، اشتغال یا بیماری و امثال آن، قادر به انجام وظیفه نباشد، هر یک از طرفین می‌تواند مراتب را همراه با ادله و مدارک مثبت هم‌زمان به دبیرخانه مرکز داورى، «داور» مربوط، سایر داوران (در صورتی که هیأت داورى تشکیل شده باشد) و طرف‌های دیگر دعوى اعلام و درخواست تعویض او را بنمایند.

تبصره — در صورتی که بین طرفین در خصوص موارد فوق اختلاف باشد، دیوان داورى مرکز نسبت به موضوع رسیدگی و



اتخاذ تصمیم می‌کند.

ماده ۲۶- تصمیم دیوان داورى مرکز در مورد جرح یا تعویض «داور» قطعی است و دیوان مکلف نیست دلایل خود را اعلام کند.

ماده ۲۷- اعلام جرح، یا درخواست تعویض «داور» به علت قصور یا عدم امکان انجام وظیفه «داور» مادام که تعیین تکلیف نشده، مانع از ادامه رسیدگی «داور» و صدور رأی نیست.

ماده ۲۸- تعیین داور جانشین

هرگاه مأموریت «داور» به موجب یکی از موارد مذکور در ماده ۲۳ و ماده ۲۵ یا به علت استعفای او با توافق طرفین، و یا به جهات و دلایل قانونی دیگری، خاتمه پذیرد و نیز در صورت حجر یا فوت داور، جانشین او مطابق مقررات حاکم بر داورى و نیز این آیین داورى در مورد انتخاب داور، تعیین می‌شود.

تبصره ۵- «داور» جانشین مکلف است با توجه به لوایح طرفین و رسیدگی‌های انجام شده تا زمان انتخاب او، رسیدگی را ادامه دهد، مگر اینکه با ذکر ادله موجه، تجدید تمام یا بخشی از رسیدگی‌های قبلی را ضروری بداند.

فصل چهارم- صلاحیت داور

ماده ۲۹- اتخاذ تصمیم در مورد صلاحیت

الف) «داور» می‌تواند در مورد حدود صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داورى، نفیاً و یا اثباتاً اتخاذ تصمیم نماید. ارجاع اختلافات و دعاوى به مرکز داورى، به منزله پذیرش این اختیار «داور» خواهد بود.

ب) شرط داورى که به صورت جزئی از یک قرارداد باشد، به عنوان موافقتنامه مستقل تلقی می‌شود و تصمیم «داور» در



خصوص بطلان و ملغى الاثر بودن اصل قرارداد، تأثیری در شرط داورى ندارد و فى نفسه به منزله بطلان یا عدم اعتبار شرط داورى مندرج در قرارداد نخواهد بود.

ماده ۳۰- ایراد به صلاحیت «داور» باید همزمان با تسلیم اولین جواب و لایحه دفاعیه اعلام گردد. صرف تعیین «داور» و یا مشارکت در تعیین «داور» توسط هریک از طرفین مانع از ایراد او به صلاحیت داورى نخواهد بود. ایراد به خروج «داور» از حدود صلاحیت در جریان رسیدگی داورى، باید به محض بروز و اطلاع از آن، اعلام گردد، معذ لک در صورتی که «داور» تأخیر در ایراد در موارد مذکور را موجه تشخیص دهد، می تواند ایراد خارج از موعد را بپذیرد.

ماده ۳۱- در صورت ایراد به صلاحیت «داور» و یا ایراد به وجود و یا اعتبار موافقتنامه داورى، «داور» باید به عنوان یک امر مقدماتی و قبل از ورود به ماهیت دعوى، نسبت به آن اتخاذ تصمیم کند، مگر اینکه «داور» با توجه به موضوع ایراد و ادله آن، اتخاذ تصمیم راجع به ایراد را به رسیدگی در مورد ماهیت دعوى، موکول نماید.

ماده ۳۲- اتخاذ تصمیم «داور» در مورد ایراد خروج «داور» از حدود صلاحیت که سبب آن در حین رسیدگی حادث می شود، می تواند در ضمن رأی ماهوى به عمل آید.

ماده ۳۳- در صورتی که رأی «داور» بر رد ایراد و قبول صلاحیت خود باشد، اعتراض به رأی مذکور مانع ادامه رسیدگی و صدور رأی نخواهد بود.

ماده ۳۴- در صورتی که طرفین درباره موارد مذکور در این فصل به نحو دیگری توافق کرده باشند، بر طبق آن عمل خواهد شد.

**ماده ۳۵- دستور موقت**

الف) «داور» می‌تواند در امور مربوط به موضوع اختلاف که محتاج به تعیین تکلیف فوری است، به درخواست هر کدام از طرفین دستور موقت صادر نماید. دستور موقت باید مستدل باشد جهت یا جهات ضرورت تعیین تکلیف فوری باید مشخص شود.

ب) هرگونه ادعا یا اختلاف طرفین در مورد خسارت ناشی از اجرای دستور موقت، به داورى مرکز داورى ارجاع می‌شود. در صورتی که دستور موقت قبل از شروع داورى صادر شود، متقاضی مکلف است دعوای ماهوی خود را ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ دستور موقت طرح نماید در غیر این صورت از دستور موقت رفع اثر می‌شود.

پ) «داور» می‌تواند مقرر نماید که متقاضی دستور موقت، تأمین مناسبی مانند وجه نقد یا اوراق و اسناد بهادار یا ضمانت‌نامه بانکی به منظور جبران خسارت ناشی از اجرای دستور موقت، نزد مرکز داورى بسپارد.

چنانچه طرف دیگر، تأمینى بدهد که متناسب با موضوع دستور موقت باشد، «داور» از دستور موقت رفع اثر خواهد کرد.

ت) مراجعه به محاکم دادگستری و درخواست دستور موقت در موارد استثنائی، قبل از داورى یا حین داورى به معنای عدول و نقض موافقتنامه داورى نیست و مانع از رسیدگی داورى نخواهد بود. تقاضای دستور موقت از محاکم دادگستری توسط هر یک از طرفین و نیز دستور صادره باید توسط متقاضی و بدون تأخیر به دبیرخانه مرکز اطلاع داده شود.

تبصره - ارجاع اختلافات و دعوای به مرکز داورى، به منزله



پذیرش اختیارات «داور» در صدور دستور موقت و اخذ تأمین مناسب است و طرفین ملزم به رعایت مفاد دستور می‌باشند.

فصل پنجم - رسیدگی داورى

ماده ۳۶- تسلیم پرونده به «داور»

بلافاصله پس از انتخاب «داور» واحد یا تشکیل هیأت داورى و اخذ قبولی داور یا داوران، دبیرخانه مرکز داورى پرونده را جهت رسیدگی در اختیار آنان قرار می‌دهد، مشروط بر اینکه آن قسمت از هزینه‌های داورى که دبیرخانه در این مرحله مطالبه کرده است، تأدیه شده باشد.

ماده ۳۷- اداره داورى

الف) اداره جریان داورى بر عهده داور واحد و در صورت تشکیل هیأت داوران، با سرداور خواهد بود.
ب) رفتار مرکز داورى و داور با طرفین باید با رعایت مساوات، بی‌طرفانه و منصفانه باشد و با لحاظ مدت داورى به هر کدام از آنان فرصت کافى برای طرح ادعا یا دفاع و ارائه دلایل داده شود.

ماده ۳۸- معرفی وکیل یا نماینده

هر یک از طرفین می‌تواند برای خود وکیل یا نماینده یا مشاور انتخاب و کتباً معرفی نماید.

ماده ۳۹- قرارنامه داورى و برنامه زمان بندى

الف) «داور» مکلف است پس از تحویل گرفتن پرونده از دبیرخانه، ظرف ۱۵ روز بر اساس آخرین لوایح و اظهارات طرفین، و عندالاقضاء با حضور ایشان، «قرارنامه داورى» را تنظیم نماید. دبیرخانه می‌تواند این مدت را به درخواست «داور» که باید موجه باشد، تمدید کند.



قرارنامه داورى بايد مشتمل بر موارد زير باشد:

- ۱- نام و مشخصات كامل طرفين؛
- ۲- نشانی اقامتگاه طرفين كه ابلاغها و مراسلات در جريان داورى بايد به آن جا ارسال شود؛
- ۳- خلاصه اى از ادعاها و مدافعات طرفين و خواسته هر يك از ايشان و تا حدودى كه در اين مرحله ممكن باشد، ذكر مبلغ خواسته اصلى و خواسته متقابل؛
- ۴- در صورت امكان، تحرير محل نزاع و موضوعاتى كه بايد تصميم گيرى شوند؛
- ۵- نام و مشخصات و نشانی اقامتگاه «داور» يا داوران؛
- ۶- محل داورى و زبان داورى (در داورى هاى بين المللى)؛
- ۷- قوانين و قواعد حقوقى حاكم بر موضوع دعوى
- ۸- ذكر اختيارات «داور» از قبيل تفويض اختيار براى تعيين و تمديد مدت داورى به داور، نحوه تعيين كارشناس، نحوه استماع كارشناس و شهود، اختيار صدور رأى بر اساس صلح و سازش يا انصاف، نحوه صدور دستور موقت و نحوه اخذ تضمين مناسب براى دستور موقت؛
- ۹- هرگونه اختيار و موضوع ديگرى كه براى حل و فصل اختلاف از طريق داورى لازم باشد.

ب) قرارنامه داورى بايد به امضای طرفها و «داور» برسد.

پ) اگر هر يك از طرفها از مشاركت در تنظيم قرارنامه داورى يا از امضای آن امتناع ورزد، يا به او دسترسى نباشد، «داور» بايد قرارنامه داورى را پس از امضاء جهت تأييد به مركز داورى تسليم كند. با امضای قرارنامه داورى مطابق اين ماده يا تأييد آن توسط مركز داورى، جريان داورى ادامه مى يابد.

ماده ۴۰- در داورى هاى بين المللى، «داور» بايد حين تنظيم قرارنامه داورى يا در اسرع وقت ممكن پس از آن، با مشورت طرفين برنامه زمان بندى را كه در نظر دارد داورى را مطابق آن



انجام دهد، جداگانه تنظیم و برای طرفین و مرکز داورى ارسال کند. هرگونه اصلاح و تغییر در برنامه زمان بندی باید به طرفین و مرکز اطلاع داده شود.

ماده ۴۱- اصلاح ادعا یا دفاع

چنانچه بین طرفین ترتیب دیگری مقرر نشده باشد، هیچ یک از طرفین نمیتواند ادعای جدیدی به غیر از آنچه در قرارنامه داورى ذکر شده، طرح کند. مگر آنکه «داور» با توجه به ماهیت ادعای جدید و سایر اوضاع و احوال، آن را موجب تأخیر در رسیدگی یا تبعیض نسبت به طرف دیگر تشخیص ندهد. در هر حال، در صورت اصلاح یا تکمیل ادعا یا دفاع باید به طرف مقابل اجازه و مهلت پاسخ گویی داده شود.

ماده ۴۲- قانون حاکم

الف) «داور» مکلف است براساس قانون و قواعد حقوقی قابل اعمال رأی دهد.

ب) در داورى‌های بین‌المللی «داور» مکلف است قانون منتخب طرفین را اعمال کند و در صورتی که طرفین قانون حاکم را انتخاب نکرده باشند، طبق قواعد تعارضی که «داور» مناسب تشخیص دهد قانون مناسب را تعیین و مطابق آن رأی دهد.
پ) تعیین قانون یک کشور به هر نحو که صورت گیرد، به منزله ارجاع به قوانین ماهوی آن کشور است و شامل حل تعارض آن نمی‌شود، مگر طرفین طور دیگری توافق نموده باشند.

ت) «داور» مکلف است در کلیه موارد، مطابق مفاد قرارداد تصمیم بگیرد و عرف و عادت تجاری ذی‌ربط را رعایت کند.

ث) «داور» در صورتی حق دارد براساس کدخدا منشی و انصاف رأی دهد که طرفین صریحاً چنین اختیاری به او



داده باشند.

ماده ۴۳- جلسه استماع و رسیدگی

الف) پس از تسلیم پرونده به «داور»، هر گونه تبادل لوایح زیر نظر «داور» انجام می‌شود، مع‌ذکک در صورتی که «داور» تشخیص دهد که با توجه به موضوع پرونده، نیازی به تبادل لوایح بیشتر نیست می‌تواند براساس لوایح و اسناد و مدارک موجود در پرونده، رسیدگی و رأی صادر کند.

ب) در صورتی که «داور» با توجه به موضوع پرونده، اخذ توضیح از طرفین یا ملاحظه اصول اسناد و مدارک را لازم بداند، می‌تواند دستور تشکیل جلسه استماع را با ذکر محل، تاریخ و ساعت تشکیل جلسه، صادر و به طرفین ابلاغ کند. به هر حال، در صورتی که یکی از طرفین در زمان مناسب درخواست تشکیل جلسه استماع نماید، «داور» مکلف است جلسه را برگزار کند. «داور» می‌تواند برای تسهیل رسیدگی موضوعات یا سؤالاتی که باید در جلسه استماع پاسخ داده شود، تعیین و برای طرفین ارسال کند.

پ) چنانچه «داور» تشکیل جلسه رسیدگی برای بازرسی کالا و یا معاینه سایر اموال و یا مستندات طرفین را ضروری بداند، باید موعد و مکان جلسه را تعیین و به طرفین و سایر اشخاصی که باید حضور یابند، ابلاغ کند.

ت) «داور» می‌تواند پس از مشورت با طرفین، جلسات استماع، بازرسی اموال یا مستندات یا شور را در هر محلی که لازم و مقتضی بداند تشکیل دهد، مگر طرفین طور دیگری توافق کرده باشند.

ث) جلسات استماع و رسیدگی داورى غیرعلنی است، مگر آنکه طرفین به طور کتبی بر خلاف آن توافق کنند. به هر حال، «داور» باید برای حفظ اسرار تجاری و اطلاعات محرمانه، اقدامات لازم را به عمل آورد.

ج) جلسات رسیدگی و استماع با حضور طرفین یا وکلا و



نمایندگان آنان تشکیل می‌شود و هر یک از طرفین می‌تواند مشاور خود را نیز، همراه داشته باشد.

چ) «داور» می‌تواند هر زمان در جریان رسیدگی، به هر یک از طرفین ابلاغ کند لوایح یا ادله و مستندات تکمیلی ارائه کنند یا ایشان را برای ادای توضیح دعوت نماید.

ماده ۴۴- قصور در تسلیم لوایح و مدارک

الف) چنانچه خواهان بدون عذر موجه، لوایح و مدارک و ادله خود را ظرف مهلت مقرر تسلیم نکند و «داور» با اخذ توضیح از خواننده هم نتواند رأی بدهد، حسب مورد، قرار ابطال دادخواست داورى را صادر خواهد کرد.

ب) در صورتی که خواننده از دادن لایحه دفاعیه قصور نماید، همچنین در صورتی که خواهان از دادن لایحه جوابیه به دعوی تقابل خواننده خودداری کند، بدون اینکه این قصورها فی نفسه به معنای قبول ادعای خواهان یا دعوی متقابل خواننده تلقی شود «داور» بر اساس مدارک موجود در پرونده رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد.

پ) اگر هریک از طرفین با وجود ابلاغ مراتب به او، از حضور در جلسه استماع و یا ارائه اسناد و مدارک و ادله مورد استناد خویش ظرف مهلت مقرر، خودداری کند، «داور» می‌تواند بر اساس مدارک موجود رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ کند. در صورتی که هیچ یک از طرفین علیرغم دعوت قبلی برای ادای توضیح، حاضر نشوند و «داور» هم نتواند بدون اخذ توضیح در ماهیت دعوی رأی صادر کند، قرار ابطال دادخواست صادر می‌شود.

ماده ۴۵- شهادت

الف) در صورتی که هر یک از طرفین جهت اثبات ادعا یا مدافعات خود به شهادت شهود استناد کند، باید قبل از



تشكيل جلسه استماع، نام و مشخصات شهود و موضوع شهادت ايشان و ارتباط آن با موضوع داوری را کتباً، تسليم کند. در صورت احراز تأثیر مؤدای شهادت شهود و ارتباط آن با موضوع دعوی، «داور» مقرر می کند جلسه ای برای استماع شهادت تعیین و از طرفین و شهود جهت استماع شهادت دعوت به عمل می آورد و به طرف استناد کننده به شهادت شهود، تذکر داده می شود که شهود را در جلسه استماع حاضر کند. در صورت عدم حضور شهود بدون عذر موجه، شهادت شهود از عداد دلایل استناد کننده خارج می شود.

ب) شهادت شهود می تواند به صورت شهادت نامه کتبی امضا شده که صحت امضای شهود قابل احراز باشد، تسليم گردد.

پ) هر یک از طرفین می تواند در جلسه استماع و رسیدگی، تحت نظارت «داور» از شهود خود یا شهود طرف مقابل پرسش هایی را که مرتبط با قضیه باشد، مطرح نماید و «داور» نیز می تواند رأساً پرسش هایی را از شهود به عمل آورد.

ت) صلاحیت های شهود و موارد جرح شاهد در داوری های داخلی به کیفیت مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ است و در داوری های بین المللی تابع مقررات حاکم بر داوری است و ارزیابی ارزش اثباتی شهادت شهود یا شهادت نامه کتبی با «داور» است.

ماده ۴۶- ارجاع امر به کارشناس

الف) «داور» می تواند در مواردی که لازم بداند رأساً و یا به درخواست هر یک از طرفین، موضوع را به کارشناسی یک



یا چند نفر ارجاع دهد و مقرر کند که هر کدام از طرفین هرگونه اطلاعات مرتبط را در اختیار کارشناس قرار دهد و موجبات دسترسی او را به مدارک مربوط، کالا یا سایر اموال و امکته برای انجام معاینه و بازرسی، فراهم آورد مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کرده‌اند. دستمزد کارشناس و هزینه‌های آن برعهده متقاضی کارشناسی است و در صورتی که متقاضی کارشناسی، دستمزد و هزینه‌های کارشناس را ظرف مهلتی که «داور» تعیین می‌کند نپردازد، کارشناسی از عداد دلایل او خارج می‌شود.

ب) هرگاه قرار کارشناسی به تشخیص و نظر «داور» باشد، و «داور» نتواند بدون انجام کارشناسی رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند، پرداخت دستمزد و هزینه‌های کارشناسی بالمناصفه برعهده طرفین است و چنانچه طرفین دستمزد و هزینه کارشناسی را نپردازند و «داور» هم نتواند بدون انجام کارشناسی رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند، «داور» قرار ابطال دادخواست را صادر می‌کند.

پ) در صورتی که «داور» لازم بداند، می‌تواند از کارشناس نظریه تکمیلی بخواهد شرکت کند و در صورت درخواست یکی از طرفین یا در صورتی که «داور» لازم بداند، کارشناس باید پس از تقدیم گزارش کتبی برای ادای توضیح و پاسخ سؤالات در جلسه استماع شرکت کند.

ت) نظریه کارشناسی به طرفین ابلاغ می‌شود تا چنانچه اظهار نظری در خصوص آن دارند ظرف ۱۰ روز از ابلاغ، اعلام نمایند.

ث) هر یک از طرفین می‌تواند در مقام توجیه ادعا یا دفاع، رأساً مبادرت به اخذ نظر کارشناس کنند و آن را به ضمیمه لایحه تسلیم کند و یا کارشناس یا کارشناسان مورد نظر خود را برای استماع نظریه ایشان در جلسه رسیدگی به



هزینه خود، معرفی کنند. ارزیابی ارزش اثباتی نظریه کارشناس منتخب هریک از طرفین، با «داور» است. (ج) دستمزد و هزینه‌های کارشناس با توجه به تعرفه‌های ذی‌ربط، تعیین می‌شود و به هر حال، هنگام صدور رأی جزو هزینه‌های داورى محسوب خواهد شد.

ماده ۴۷- ورود شخص ثالث

هرگاه شخص ثالثی در موضوع داورى برای خود مستقلاً حقی قائل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند مادام که ختم رسیدگی اعلام نشده است وارد داورى شود، مشروط بر اینکه موافقتنامه داورى، «داور» تعیین شده و آیین داورى را بپذیرد و ورود وی مورد ایراد هیچ کدام از طرفین واقع نشود. در صورتی که یکی از طرفین به ورود شخص ثالث ایراد نماید، «داور» نخست در آن مورد اظهار نظر خواهد نمود و تصمیم وی قطعی است.

فصل ششم- ختم رسیدگی و صدور رأی

ماده ۴۸- ختم رسیدگی

الف) «داور» پس از احراز اینکه طرفین از فرصت کافی و معقول برای ارائه مطالب و دفاع برخوردار شده‌اند، و با رعایت مفاد ماده ۴۹ ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به اصدار رأی می‌نماید. پس از اعلام ختم رسیدگی، هیچ لایحه یا دلیل و مدرک جدیدی قابل طرح و ارائه نخواهد بود. (ب) «داور» می‌تواند در صورت تعدد دعاوی (اعم از اصلی و طاری) با تفکیک دعوائی که معد برای صدور رأی باشد،



نسبت به آن ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور رأی نماید و رسیدگی را نسبت به دعوی یا دعاوی دیگر ادامه دهد.

پ) «داور» مکلف است حداکثر ظرف ۲۰ روز پس از اعلام ختم رسیدگی، پیش نویس رأی داوری را قبل از امضاء، جهت اعمال مقررات ماده ۵۳ این آیین داوری به دبیرخانه مرکز داوری تسلیم کند. در صورتی که «داور» مهلت بیشتری لازم داشته باشد، می تواند با ذکر دلیل و موجبات تأخیر، مدت مذکور را یک بار تمدید کند.

ماده ۴۹- مهلت صدور رأی

الف) در داوری های داخلی، مدت داوری هایی که به مرکز ارجاع می شود سه ماه از تاریخ قبولی «داور» و اطلاع به طرفین است مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کرده باشند. تمدید مدت مذکور ولو کراراً، با توافق طرفین بلامانع است، مشروط به اینکه مدت جدیدی مشخص و تعیین شود. طرفین می توانند اختیار تمدید مدت داوری را به «داور» اعطا کنند یا مرکز داوری تفویض کنند.

ب) در داوری های بین المللی «داور» مکلف است ظرف ۶ ماه از تاریخ نهایی شدن قرارنامه داوری طبق ماده ۳۹ این قواعد داوری، رسیدگی و رأی صادر کند. در صورتی که اوضاع و احوال پرونده اقتضاء کند که مدت مذکور تمدید شود، «داور» مکلف است مراتب تمدید را به طرفین و دبیرخانه مرکز داوری اعلام کند.

ماده ۵۰- رأی مبتنی بر سازش طرفین



الف) چنانچه طرفین در جریان رسیدگی، اختلافات خود را از طریق سازش فیصله دهند، «داور» به درخواست طرفین مراتب وقوع سازش را همراه با شرایط سازش و نحوه فیصله دعوی، به صورت گزارش اصلاحی تنظیم و رأی سازشی صادر می‌نماید و قرار سقوط دعوی صادر می‌کند.

ب) رأی سازشی که به صورت فوق صادر می‌شود، برای طرفین قطعی و لازم‌الاجرا است.

ماده ۵۱- اخذ تصمیم توسط هیأت داوران

الف) در مواردی که رسیدگی به وسیله هیأتی از داوران به عمل می‌آید، اعضای هیأت داورى باید از تاریخ و محل جلسه ای که برای رسیدگی و مشاوره و یا صدور رأی تشکیل می‌شود، مطلع باشند.

ب) تصمیم «هیأت داوران» با اکثریت آراء، معتبر است، مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کرده باشند. در صورتی که اکثریت حاصل نشود، رئیس هیأت داورى به تنهایی رأی را صادر می‌کند.

تبصره- در صورتی که یکی از اعضای هیأت داوران استعفا کند یا دو جلسه متوالی حضور پیدا نکند یا از دادن رأی امتناع نماید، دو عضو دیگر به موضوع رسیدگی و رأی خواهند داد و چنانچه بین دو «داور» دیگر اتفاق نظر حاصل نگردد، مرکز داورى طبق مقررات این آیین‌نامه «داور» دیگری به جای «داور» مستعفی یا ممتنع یا غایب، انتخاب و منصوب می‌نماید، مگر اینکه طرفین طور دیگری توافق کنند.

ماده ۵۲- شکل و محتوای رأی

الف) رأی داورى باید کتبی باشد و به امضای «داور» برسد. در



موردی که «داور» بیش از یک نفر باشد، امضای اکثریت داوران کافی خواهد بود، مشروط بر اینکه علت عدم امضای اعضای دیگر هیأت داورى در برگ رأی ذکر شود. نظر مخالف یا جداگانه هر داور، به رأی ضمیمه می‌شود، مگر طرفین طور دیگر توافق کنند.

ب) رأی داورى مشتمل است بر «مقدمه»، «خلاصه جریان رسیدگی»، «متن رأی داور» و «بخش اجرایی رأی».

۱- «مقدمه» رأی شامل شماره پرونده، شماره و تاریخ رأی، و محل رسیدگی، مشخصات و نشانی طرفین، نام داور و خواسته دعوی خواهد بود.

۲- «خلاصه جریان رسیدگی» مشتمل است بر خلاصه‌ای از اظهارات طرفین و مذاکرات جلسه یا جلسات استماع و نیز اقداماتی که به منظور احراز واقعیات و بررسی دلایل صورت گرفته است.

۳- «متن رأی» مشتمل است بر ذکر موضوع دعوی یا دعاوی و خواسته و نیز کلیه دلایلی که رأی بر آنها مبتنی است مگر اینکه طرفین توافق کرده باشند که دلایل رأی ذکر نشود یا رأی سازشی طبق ماده ۵۰ باشد یا براساس اختیار «داور» برای طرف‌های صلح و سازش صادر شده باشد.

۴- بخش اجرایی رأی، مشتمل است بر تشخیص منجز «داور» نسبت به خواسته و دفاعیات طرفین و نیز نسبت به تکالیف و اقداماتی که طرف‌های ذی‌ربط دعوی باید مطابق بخش اجرایی رأی به عمل آورند.

۵- رأی داورى، باید حاوی تاریخ و محل داورى طبق ماده ۱۶ این آیین داورى باشد.

ماده ۵۳- بررسی پیش نویس رأی داورى و ابلاغ آن
الف) به منظور بررسی و حصول اطمینان از رعایت تشریفات قانونی و نیز این آیین داورى، «داور» باید قبل از امضای رأی، پیش



نویس آن را به دبیرخانه مرکز داورى تسلیم نماید و دبیرخانه مرکز با رعایت مقررات فصل پنجم از آیین‌نامه داخلی مرکز در مورد نحوه ارائه خدمات و تشکیلات مرکز داورى مصوب ۱۳۸۴/۱۲/۲۳ در اولین جلسه دیوان داورى مرکز مطرح می‌کند. دیوان داورى مرکز داورى می‌تواند بدون آنکه در آزادی عمل و اختیارات «داور» از نظر تصمیم‌گیری مداخله کند، توجه «داور» را به نکات شکلی و یا ماهوی جلب و یادآوری کند. «داور» در قبول یا رد نکات ماهوی مخیر است، لکن مکلف است نظرات دیوان داورى مرکز درباره مسایلی شکلی را رعایت کند. پس از تأیید پیش‌نویس رأی توسط دیوان داورى مرکز و از لحاظ شکلی، «داور» مجاز به امضای آن می‌باشد.

ب) رأی داورى که به ترتیب فوق صادر و امضاء شده، توسط دبیرخانه مرکز داورى در دفتر ثبت آراء با قید شماره و تاریخ صدور، ثبت می‌شود و شماره و تاریخ فوق بر روی رأی درج و صفحات رأی به مهر دبیرخانه مرکز داورى مهور خواهد شد. نسخه اصل رأی داورى در پرونده ضبط و تصویر مصدق آن که دارای اعتبار نسخه اصل است، به اصحاب دعوا ابلاغ خواهد شد، مشروط به آن که کلیه هزینه‌های داورى پرداخت شده باشد.

ماده ۵۴- قطعیت و قابلیت اجرای رأی

الف) رأی «داور» قطعی است و پس از ابلاغ طبق مقررات قانونی لازم‌الاجراست.

ب) با پذیرش داورى از طریق مرکز داورى، طرفین متعهد می‌شوند که رأی داورى صادره را قطعی و لازم‌الاجرا دانسته و بدون تأخیر اجرا نمایند.

پ) اجرای رأی داورى در داورى‌های داخلی تابع مقررات آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و سایر قوانین ذی‌ربط در باب



اجرای احکام داورى است، و در داورى های بین المللى، حسب مورد، تابع مقررات قانون داورى تجارى بین المللى مصوب ۱۳۷۶ یا کنوانسیون نیویورک در مورد اجرای احکام داورى خارجى مصوب ۱۳۸۰ می باشد.

ت) در صورتى که محکوم علیه عضو اتاق بازرگانى و صنایع و معادن باشد و بدون عذر موجه، رأى را تا ۲۰ روز پس از ابلاغ اجرا نکند، طرف دیگر، می تواند جهت رسیدگى و اتخاذ تصمیم لازم به کمیسیون انضباطى اتاق بازرگانى و صنایع و معادن ایران مراجعه نماید.

ماده ۵۵- ختم داورى

رسیدگى داورى با صدور رأى یا به موجب تصمیم «داور» در موارد زیر خاتمه یافته یا متوقف می گردد:

الف) استرداد دعوا توسط خواهان، مگر اینکه خواننده با ذکر ادله موجه به آن اعتراض نماید و «داور» برای وی نفع قانونى و موجهی در ادامه داورى احراز کند.

ب) عدم امکان و یا عدم لزوم ادامه رسیدگى به هر دلیل دیگر.

پ) توافق طرفین بر ختم رسیدگى داورى

ت) فوت یا حجر یکی از طرفین دعوى در صورتى که شخص حقیقى باشد.

ث) در داورى های داخلی در صورت ورشکستگى یکی از طرفین دعوى در صورتى که شخص حقوقى باشد، مطابق مقررات ماده ۴۱۸ و ۴۱۹ قانون تجارت تا تعیین مدیر تصفیه داورى متوقف می گردد. در داورى های بین المللى موضوع تابع مقررات حاکم بر موضوع است.

ماده ۵۶- ابلاغ رأى داورى

الف) پس از امضاء، رأى داورى توسط دبیرخانه مرکز داورى به طرفین ابلاغ خواهد شد، مشروط بر آنکه هزینه های



داورى به مرکز داورى پرداخت شده باشد.

ب) در صورت در خواست، نسخ اضافى رأى که توسط دبیرکل تصدیق شده باشد، فقط در اختیار طرفین یا نمایندگان آنان قرار خواهد گرفت.

پ) با ابلاغ رأى داورى مطابق ترتیبات مذکور در این آیین داورى طرفین از ابلاغ رأى به سایر شیوه‌ها صرف نظر مى‌نمایند.

ماده ۵۷- تصحیح و تفسیر رأى؛ رأى تکمیلی

الف) در داورى‌های داخلی هر یک از طرفین مى‌تواند با رعایت ماده ۴۸۷ قانون آیین دادرسی مدنى مصوب ۱۳۷۹ تقاضای اصلاح یا تفسیر رأى یا صدور رأى تکمیلی نماید. «داور» مکلف است ظرف ۲۰ روز از تاریخ تقاضای مذکور نسبت به آن اتخاذ تصمیم نماید.

ب) در داورى‌های بین‌المللى هر یک از طرفین مى‌تواند ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ رأى درخواست اصلاح نگارشى، تایی، اشتباه در محاسبه یا اشتباهات مشابه یا تفسیر و رفع ابهام از رأى را بنماید یا درخواست رأى تکمیلی نسبت به ادعایی که اقامه شده ولى در رأى مسکوت مانده مطرح کند. در مورد درخواست رأى اصلاحی «داور» باید ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ درخواست اتخاذ تصمیم کند و در مورد درخواست رأى تکمیلی در صورتی که «داور» آن را موجه تشخیص دهد باید ظرف ۶۰ روز رأى تکمیلی صادر کند. در صورتی که «داور» رأی سأموجه اشتباه یا ابهام رأى شده باشد، ظرف ۳۰ روز نسبت به اصلاح رأى یا تفسیر آن اقدام خواهد کرد.

پ) درخواست اصلاح یا تفسیر رأى یا صدور رأى تکمیلی باید در نسخ کافى به دبیرخانه مرکز داورى تسلیم شود و دبیرخانه یک نسخه را به طرف مقابل ابلاغ مى‌کند و مهلت



معقولى جهت اظهار نظر او تعيين مى نمايد.
ت) مقررات مواد ۵۱-۵۲-۵۳-۵۴ و ۵۶ اين آيين داوري در مورد رأى اصلاحى، تفسيرى يا تکميلى نيز لازم الاجرا است.

فصل هفتم- هزینه‌های داوری

ماده ۵۸- هزینه‌های داوری

الف) مراجعه به مرکز داوری و استفاده از خدمات آن برای حل و فصل اختلافات، در هر مورد موكول به پرداخت هزینه‌هایی است که مطابق آیین‌نامه مربوط به نحوه ارائه خدمات در مورد هزینه‌های داوری و تعرفه آن در زمان طرح دعوى، محاسبه و دریافت می‌شود.

ب) پس از وصول دادخواست داوری و همزمان با تبادل لوائح اولیه طبق این آیین داوری، دبیر کل مرکز داوری، با توجه به مبلغ و نوع خواسته، هزینه‌های داوری را طبق تعرفه مندرج در آیین‌نامه هزینه‌های داوری تعیین و به طرفین ابلاغ می‌کند و همزمان از خواهان مطالبه نماید که ظرف مهلت ۱۵ روز، مبلغی را به‌عنوان پیش‌پرداخت هزینه‌ها به دبیرخانه مرکز پردازد. مبلغ پیش‌پرداخت که خواهان می‌پردازد، بابت سهم او از هزینه‌های قطعی داوری، منظور و کسر خواهد شد.

پ) مرکز داوری می‌تواند هزینه‌های داوری را، با توجه به تغییر مبلغ و نوع خواسته در طول داوری تعدیل کند.

ت) در مواردی که علاوه بر ادعای اصلی، ادعای متقابل هم طرح شده باشد، دبیر کل می‌تواند مبلغ هزینه‌های داوری بابت هر یک از ادعای اصلی و ادعای متقابل را جداگانه تعیین نماید. در این صورت هر طرف باید هزینه‌های مربوط



به ادعای خود را به دبیرخانه مرکز داورى بپردازد.

ماده ۵۹- جز در مواردی که طرفین طور دیگری توافق کرده‌اند، پرداخت هزینه‌های داورى در مرکز داورى (هزینه ادارى و حق‌الزحمه داوران) به تساوى بر عهده خواهان و خوانده است که باید تا قبل از صدور رأی، به دبیرخانه مرکز بپردازند. اگر هر یک از طرفین از پرداخت تمام یا قسمتی از سهم خود از هزینه‌های داورى خوددارى کند، هر یک از طرف‌های دیگر مى‌تواند به منظور جلوگیری از توقف رسیدگی، سهم طرف ممتنع را بپردازد.

ماده ۶۰- چنانچه طرفین از پرداخت هزینه‌های داورى ظرف مهلت مقرر امتناع ورزند، دبیرکل مى‌تواند با مشورت «داور» رسیدگی را متوقف کند. در این صورت دبیرکل باید مهلتی که کمتر از ۱۵ روز نباشد برای پرداخت هزینه‌ها به طرفین بدهد. عدم پرداخت هزینه‌های داورى ظرف این مهلت به منزله استرداد دادخواست مربوط به دعوای اصلی یا متقابل است که برای آن هزینه مطالبه ولى پرداخت نشده است، بدون اینکه مانع از طرح دعوى اصلی یا متقابل طى دادخواست داورى جدید باشد.

ماده ۶۱- تصمیم مرکز داورى در این قبیل موارد ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض است و رسیدگی به آن با دیوان داورى مرکز داورى است.

ماده ۶۲- اتخاذ تصمیم در خصوص هزینه‌های داورى

الف) هزینه‌های داورى شامل حق‌الزحمه داوران و هزینه‌های ادارى مرکز داورى و همچنین شامل حق‌الزحمه و هزینه کارشناسی و مخارج متعارف حقوقی است که جریان داورى ایجاب مى‌کند.



ب) «داور» باید ضمن رأی یا تصمیم داورى تکلیف هزینه‌های داورى را تعیین کند و در مورد تسهیم آن بین طرفین، اتخاذ تصمیم کند. در صورتی که طرفین درباره نحوه تسهیم هزینه‌ها توافقی کرده باشند، «داور» مکلف است آن را ملحوظ نماید.

فصل هشتم - مقررات متفرقه

ماده ۶۳- در صورتی که لازم باشد، مرکز داورى کلیه مساعی و همکاری‌های لازم را معمول خواهد داشت تا رأی داورى با سهولت اجرا شود.

ماده ۶۴- جز در مواردی که طور دیگری مقرر شده باشد، در کلیه مواردی که در این آیین داورى اختیارات یا وظایفی برای مرکز داورى پیش‌بینی شده، اعمال یا انجام آن بر عهده دبیرکل مرکز است، مگر مطابق این آیین داورى انجام آن در صلاحیت دیوان داورى مرکز باشد.

ماده ۶۵- در مواردی که اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و یا شهرستان‌ها به عنوان «داور» تعیین شده باشد، انجام داورى با مرکز داورى اتاق ایران است و مشمول مقررات این آیین داورى خواهد بود.

ماده ۶۶- معافیت از مسئولیت

مسئولیت دبیرکل و کارکنان مرکز داورى و داوران، از حیث اجرای مقررات این آیین داورى و آیین نامه هزینه‌های داورى همان است که به موجب قوانین ذی‌ربط مقرر شده و مسئولیت دیگری متوجه ایشان نخواهد بود.

**ماده ۶۷- قاعده کلی**

نسبت به موضوعاتی که در این آیین‌نامه صریحاً تعیین تکلیف نشده، مرکز داورى، دیوان داورى مرکز و «داور»، حسب مورد، مطابق روح قانون اساسنامه تشکیل مرکز داورى مصوب ۱۴/۱۱/۱۳۸۰ و مقررات باب هفتم قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۷۹ و نیز قانون داورى تجارى بین‌المللى مصوب ۱۳۷۶ و هم چنین روح این آیین داورى عمل خواهند کرد.

این آیین‌نامه در اجرای ماده ۶ قانون اساسنامه مرکز داورى اتاق ایران مصوب ۱۴ بهمن ۱۳۸۰، در ۶۷ ماده و ۱۰ تبصره در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۵ در هیأت مدیره مرکز داورى اتاق ایران تأیید شد و در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۲۷ به تصویب هیأت نمایندگان اتاق بازرگانى و صنایع و معادن ایران رسید و جایگزین آیین‌نامه به نحوه ارائه خدمات مرکز داورى در مورد حل و فصل اختلافات تجارى داخلی مصوب ۱۳۸۴/۱۲/۲۳ هیأت نمایندگان گردید.